



Razavizadeh, N., & Varshoyi, S. (2021). You have to take risk: Women's perceptions of fear in female-only travel and their coping strategies. *Journal of Iranian Cultural Research*, 14(1), 37-68. doi: 10.22035/jicr.2021.439

<http://dx.doi.org/10.22035/jicr.2021.439>

URL: [http://www.jicr.ir/article\\_439.html](http://www.jicr.ir/article_439.html)

2008-1847 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

## You Have to Take Risk: Women's Perceptions of Fear in Female-only Travel and Their Coping Strategies

Neda Razavizadeh<sup>1</sup>, Somayeh Varshovi<sup>2</sup>

Received: Sep. 6, 2020; Accepted: Feb. 18, 2021

### ABSTRACT

With the beginning of gender studies over two decades ago, issues such as inequality, constraints, and women's perceptions of fear, risk, threat, and security have gradually been included by researchers in social and tourism fields. The aim of this study is to investigate women's fears while traveling and their strategies to deal with those fears. A qualitative approach was used and in-depth semi-structured interviews with 19 middle-class female participants based in Mashhad were conducted. In the process, three types of fear (structural, social and personal) and three types of coping strategies (structural, social and personal) were identified. In this classification, "structural" fears or coping strategies refer to their sources or methods involving social, physical and spatial structure of a tourist destination. "Social" fears and strategies refer to emotions and reactions appear through interactions. "Personal" fears and coping strategies are related to the realm of cognitive and personal choices, preferences, abilities, and initiatives. Findings show that although women experience fears due to their subjective perception, the objective conditions of tourism environment and social construction help them put up some kinds of active or passive resistance. They understand the fear as an empowering tool. These experiences differ in terms of quality and depth from western context, and Iranian women have more conservative orientations, but Iranian women they follow a similar path.

*Keywords:* geography of fear, single-gendered tourism, tourist gaze, women's security, travel

1. Department of Tourism Sociology, Institute of Tourism Research, Jahad Daneshgahi of Mashhad (ACECR), Mashhad, Iran (Corresponding Author)

✉ [n.razavi@jdm.ac.ir](mailto:n.razavi@jdm.ac.ir)

2. Department of Tourism Sociology, Institute of Tourism Research, Jahad Daneshgahi of Mashhad (ACECR), Mashhad, Iran



## «باید ریسک کنی»؛ ادراک زنان از ترس و راهبردهای رویارویی با آن در سفرهای تک جنسیتی

ندا رضوی زاده<sup>۱</sup>، سمیه ورشوی<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰

### چکیده

بیش از دو دهه است که پژوهشگران گردشگری به موضوع جنسیت توجه نشان داده‌اند و به تدریج مسئله نابرابری، محدودیت‌ها، و ادراک زنان از محدودیت، ترس، خطر، تهدید، و امنیت، وارد حوزه مطالعات اجتماعی و گردشگری شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ترس‌های زنان در سفر و راهبردهای رویارویی آنان با این ترس‌ها انجام شده است. رویکرد کیفی با اتکا به ۱۹ مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت یافته اتخاذ شد. مشارکت‌کنندگان، زنان متعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط ساکن شهر مشهد بودند. یافته‌ها در چارچوب سه نوع ترس (ساختاری، اجتماعی، و شخصی) و سه نوع شیوه رویارویی با این ترس‌ها مقوله‌بندی شد. در این طبقه‌بندی، منظور از ترس‌ها یا راهبردهای «ساختاری»، منابع ترس یا راهبردهای مواجهه‌ای است که به ساختار اجتماعی، کالبدی، و طبیعی مقصد گردشگری مربوط می‌شود. کاربرد صفت «اجتماعی» برای ترس‌ها و راهبردها، ناظر به اموری است که در فرایند کنش متقابل رخ می‌دهد. ترس‌ها و راهبردهای «شخصی» نیز به اموری مربوط است که بیشتر در محدوده انتخاب‌ها، ترجیحات، قابلیت‌ها، و ابتکارات شخصی و شناختی می‌گنجد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه زنان به سبب شرایط ذهنی خود، شرایط عینی محیط‌های گردشگری، و برساخت اجتماعی ترس در زنان، ترس‌هایی را تجربه می‌کنند، اما در برابر آن، انواع مقاومت فعالانه یا انفعالی را در پیش می‌گیرند و از آن به‌عنوان ابزاری برای توانمندسازی خود بهره می‌گیرند. اگرچه این تجربه‌ها به لحاظ کیفیت و عمق با تجربه‌های زنان کشورهای توسعه یافته متفاوت است، اما با وجود تمهیدات محافظه‌کارانه‌تر، مسیر مشابهی را می‌پیماید.

**کلیدواژه‌ها:** گردشگری تک جنسیتی، گردشگری زنان، امنیت زنان، جغرافیای ترس، چشم خیره

۱. گروه جامعه‌شناسی گردشگری، پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی مشهد، ایران (نویسنده مسئول)  
n.razavi@jdm.ac.ir ✉

۲. گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی مشهد، ایران

امروزه گردشگری در بسیاری از کشورها و در میان بسیاری از طبقات، به عنوان بخشی از فعالیت فراغتی شناخته می‌شود، اما پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که دسترسی همه افراد و زیرگروه‌های اجتماعی به فراغت و گردشگری به یک اندازه نیست و نوعی نابرابری در این حوزه وجود دارد (روجک، ۱۳۹۵؛ سفیری و مدیری، ۱۳۸۹؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). نابرابری جنسیتی در گردشگری، یکی از انواع نابرابری در دسترسی به این فرصت فراغتی است. نابرابری زنان در گردشگری ممکن است از منابع گوناگونی مانند دسترسی نابرابر زنان به منابع اقتصادی، زمان فراغت، و نوع مسئولیت‌های نقشی آنان سرچشمه گرفته باشد. باین حال، آن‌ها همچنان که می‌کوشند در حوزه‌های دیگر به فرصت‌های بیشتر و برابری با مردان دست یابند، در دستیابی به فرصت‌های فراغتی و به ویژه گردشگری نیز فعال شده‌اند. افزون بر این، امروزه سفر زنان، تنها وسیله‌ای برای وقت‌گذرانی نیست، بلکه به طور خاص، راهی برای بیان عاملیت آنان به شمار می‌آید که در گذشته اغلب برای آن‌ها نامناسب تلقی می‌شد (جردن و گیسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ ویلسن و لیتل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). در سال‌های اخیر، سفرهای زنان تنها، و رای مرزهای جنسیتی، رشد چشمگیری داشته است. مسافرت‌های زنان به تنهایی، مبارزه علیه محدودیت‌های جامعه‌ای است و زنان با سفر کردن به تنهایی، در پی مقابله با این محدودیت‌ها هستند (والاجا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸، ۸).

درعین حال، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که زنانی که به تنهایی به سفر می‌روند، ناگزیر از تحمل انواع محدودیت‌های جسمانی، شخصی، عملی، و فضایی در سفرهایشان هستند (ویلسن و لیتل، ۲۰۰۸). احساسات بازدارنده‌ای همچون ترس و نگرانی نیز از انواع محدودیت‌هایی است که بر استفاده زنان از فضاهای عمومی تأثیر می‌گذارند. با اینکه ترس در زمره احساسات پایه انسانی قرار می‌گیرد، اما دلایل و شیوه‌های بروز احساس ترس در افراد مختلف، متفاوت است. به نظر می‌رسد، ترس موجود در بین



1. Jordan and Gibson
2. Wilson and Little
3. Valaja

زنان، متأثر از مناسبات جنسیتی‌ای مانند حاشیه‌ای بودن، فرودستی منزلتی در فضای اجتماعی، و نبود احساس امنیت عمیق است. براین اساس، ترس در فرایند زندگی اجتماعی و درک زنان از روابط و مناسبات قدرت جنسیتی شکل می‌گیرد و به صورت جدایی‌گزینی نمایان خواهد شد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸)؛ ازاین‌رو، پژوهش‌های پرشماری، مسئله ترس زنان، ترس از جرم، و احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی را بررسی کرده‌اند (عشایری و همکاران، ۱۳۹۶؛ پوراحمد، آروین، و رحیم‌پور، ۱۳۹۶؛ سراج‌زاده، جواهری، و رحمتی، ۱۳۹۴؛ محمدی و مرادی‌پادوک، ۱۳۹۲؛ صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸)، اما ترس و احساس خطر ادراک‌شده در سفر، به‌گونه‌ای مضاعف، بر زنان تأثیر می‌گذارد، زیرا سفر و خطر، جدایی‌ناپذیرند، چون سفر، نیازمند رفتن به مکان‌های ناآشنا و محیط‌های اجتماعی بیگانه است که به‌خودی‌خود بر خطر و نااطمینانی دلالت دارد (چانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). افزون‌براین، زنان در برابر انواع خاصی از خطرها و تهدیدها، از جمله خطرهای جسمانی (برای مثال، آزار و اهانت جنسی) در سفر حساس‌تر و آسیب‌پذیرترند (کوزاک، کروتس، و لاو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

همچنان‌که گفته شد، سفر نه‌تنها راهی برای دستیابی به تفریح و فراغت، بلکه گزینه‌ای برای خروج خودخواسته از ناحیه آسایش، تجربه کردن عاملیت، آزمودن و به‌چالش کشیدن خود، یافتن حس خودمختاری و خودتعیین‌گری، و ملاقات با افراد جدید است. به‌جز این موارد، سفرهای مرتبط با شغل، فرصت‌هایی را برای رشد اجتماعی و اقتصادی در اختیار زنان قرار می‌دهد. افزون‌براین، به‌طورکلی، حاشیه‌ای شدن و حذف فیزیکی و بصری زنان از عرصه عمومی، خود موجب تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها، و هنجارهای پدرسالارانه می‌شود که به‌نوبه خود، رشد، خودمختاری، و استقلال زنان را محدود می‌کند و به نابرابری‌ها دامن می‌زند؛ بااین‌حال، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، زنان به دلایل گوناگونی، ترس را بیشتر از مردان تجربه می‌کنند و این امر، مانعی در برابر سفر تنها یا سفر تک‌جنسیتی زنان است. مجموعه این عوامل سبب می‌شوند که به‌لحاظ اجتماعی و گاهی خودخواسته، فرصت

1. Chang
2. Kozak, Crotts and Law



سفر تنها یا تک جنسیتی از زنان دریغ شود و در نتیجه، زنان از آثار مثبت روانی، اجتماعی، و اقتصادی آن به گونه‌ای نابرابر بی‌بهره بمانند. اما ترس و احساس ناامنی در سفرهای تک جنسیتی که زنان در آن معمولاً با محیط‌های کمتر آشنا روبه‌رو می‌شوند، موضوعی است که پژوهش‌های داخلی کمتر به آن توجه داشته‌اند. با توجه به پایین بودن میزان اشتغال زنان در جامعه ایران<sup>۱</sup> و در نتیجه، تجربه کمتر زنان ایرانی از فعالیت مستقل خارج از خانه، بررسی ترس‌های زنان در سفرهای تک جنسیتی اهمیت فراوانی است.

با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱) زنان در سفرهای تک جنسیتی چه ترس‌هایی را ادراک و تجربه می‌کنند؟
- ۲) راهبردهای زنان برای مقابله با این ترس‌ها در سفرهای تک جنسیتی کدامند؟

### ۱. پیشینه پژوهش

رضوی زاده و برادران کاشانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «ادراک زنان از گردشگری تک جنسیتی، کارکردها، چالش‌ها و راهبردهای مواجهه در خانواده» دریافتند تعداد پژوهش‌های داخلی‌ای که موضوع گردشگری تک جنسیتی زنان را بررسی کرده‌اند، انگشت‌شمار است، اما پژوهش‌های خارجی پرشماری، موضوع گردشگری و به‌ویژه گردشگری تک جنسیتی زنان، و زنانی که تنها<sup>۲</sup> یا مستقل<sup>۳</sup> به سفر می‌روند را بررسی کرده‌اند. در تعداد کمی از این پژوهش‌ها نیز ترس زنان در این‌گونه سفرها مطالعه شده است.

ویلسن و لیتل<sup>۴</sup> در پژوهشی با عنوان «فرار نسبی»؟ تأثیر محدودیت‌ها بر زنانی که به تنهایی سفر می‌کنند» با مطالعه کیفی شرایط ۲۰ زن استرالیایی که به‌تنهایی به سفر رفته بودند، دریافتند که ترس و تردید، قیدهای شخصی پیش از سفر، و ترس و آسیب‌پذیری و تنهایی، قیدهای شخصی هنگام سفر به‌شمار می‌آیند. در این پژوهش نگرش‌های میزبان و

۱. بر پایه چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز ۹۷، از جمعیت ۱۰ سال به بالای زنان ۱۳/۷ درصد شاغل هستند (مرکز آمار ایران. بی تا)

2. solo  
3. independent  
4. Wilson and Little



توجه‌های ناخواسته، به‌عنوان قیدهای اجتماعی-فرهنگی هنگام سفر؛ فقدان دانش محلی از مقصد، سفر با دیگران، و اضطراب و خستگی، به‌عنوان قیدهای عملی هنگام سفر؛ و تحرک محدودشده و انگشت‌نما بودن، به‌عنوان قیدهای فضایی هنگام سفر شناسایی شدند (ویلسن و لیتل، ۲۰۰۵). ویلسن و لیتل به این نتیجه رسیدند که ترس ادراک‌شده سفر در زنانی که به‌تنهایی به سفرهای بین‌المللی می‌رفتند، به چهار عامل مربوط می‌شود: برداشت دیگران، مستعد آسیب‌پذیری بودن، حس محدودیت دسترسی، و احساس انگشت‌نما بودن<sup>۱</sup> (ویلسن و لیتل، ۲۰۰۸).

جردن و آپچیسن در پژوهشی با عنوان «گردشگری و جنسی شدن نگاه خیره: تجربه گردشگری زنان تنها از قدرت جنسیتی شده، نظارت و بدنمندی» دریافتند زنان تنها در سفر، سوژه و ابژه نگاه‌های خیره جنسیتی مردان هستند (جردن و آپچیسن، ۲۰۰۸). فضاهای جنسی شده، جنسیتی شده، و بدنمندشده گردشگری، زمینه این وضعیت را به‌عنوان بخش طبیعی پنداشته‌شده گردشگری فراهم می‌کند.

براون و عثمان<sup>۲</sup> در پژوهشی با عنوان «تجربه زنان گردشگر در مصر به‌عنوان یک مقصد اسلامی» به این نتیجه رسیده‌اند که این گردشگران از نگاه خیره و جنسی شده و آزار مردان جامعه میزبان رنج می‌برند<sup>۳</sup> (براون و عثمان، ۲۰۱۷).

سنو و براون<sup>۴</sup> در پژوهشی با عنوان «زنان تنهای آسیایی گردشگر» دریافتند که ترس، لذت زنان از سفر را محدود می‌کند (سنو و براون، ۲۰۱۸). سخنان جنسی ناخواسته مردان جامعه میزبان به آن‌ها حس ناخوشایندی می‌دهد و حس بی‌یابری و ترس پیوسته برایشان به‌لحاظ جسمی و عاطفی، آسیب‌رسان است. آن‌ها برای رویارویی با این شرایط، نوع و زمان فعالیت‌های تفریحی‌شان را محدود می‌کنند تا خود را از خطر حفظ کنند.

1. conspicuousness

2. Brown and Osman

۳. براون و عثمان به تعریف آزار از دید جردن و گیسن (۲۰۰۵) استناد کرده‌اند: آزار، عبارت است از توجه ناخواسته، ناخوانده، و جنسی شده.

4. Seow and Brown



با وجود چنین تجربه‌هایی، مک‌نامارا و پریداکس<sup>۱</sup> در پیمایشی با عنوان «یک سنخ‌شناسی از زنان مسافر تنهای مستقل» در استرالیا، به این نتیجه رسیده‌اند که زنان، لزوماً احساس ترس و خطر فراوان ندارند (مک‌نامارا و پریداکس، ۲۰۱۰). آن‌ها استدلال کرده‌اند که احتمالاً امنیت، مقصد، و پیش فرض‌ها درباره‌ی اعتبار مقصد، بر احساس امنیت زنان تأثیر می‌گذارد.

در بعضی پژوهش‌ها نیز راهبردهای مقاومتی زنان بررسی شده است. یانگ، خو-لاتیمور، و آرکودیا<sup>۲</sup> در مقاله «مرور نظام‌مند پژوهش‌های خطر و جنسیت» به این نتیجه رسیده‌اند که خطرهایی که زنان احساس می‌کنند، روابط قدرت نابرابر را در فضای جنسیتی و نژادی گردشگری تقویت می‌کند؛ باین‌حال، زنان از طریق مذاکره در مورد خطرها، توانمندی‌ها و تجربه‌ها را نیز در طول سفر کسب می‌کنند (یانگ، خو-لاتیمور، و آرکودیا، ۲۰۱۷).

دوران<sup>۳</sup> نیز در مقاله «توانمندسازی و زنان در گردشگری ماجراجویانه: سفری مذاکره شده» اظهار می‌کند که زنان در سفر، محدودیت‌ها را دوباره ارزش‌گذاری می‌کنند؛ بنابراین، محدودیت‌ها برای آن‌ها ثابت نیست و این شرایط، امکان مذاکره و مقاومت را پدید می‌آورد (دوران، ۲۰۱۶).

در مجموع، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که زنانی که به‌تنهایی سفر می‌کنند، ناگزیر از تحمل محدودیت‌هایی در طول سفر هستند. پژوهش‌ها حاکی از این است که ترس‌ها و نوع رویارویی با آن‌ها، متأثر از روابط قدرت، روابط جنسیتی، و بر ساخته‌های فرهنگی و اجتماعی است. باین‌حال، این موضوع در میان زنان ایرانی بررسی نشده است و از این‌رو، پژوهش حاضر در این راستا سازماندهی شده است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

به‌لحاظ نظری، ترس در سفرهای تک‌جنسیتی زنان، در قالب نظریه‌های محدودیت در فراغت، جغرافیای ترس زنان، و نگاه خیره در گردشگری تحلیل‌پذیر است.



1. McNamara and Prideaux

2. Yang; Khoo-Lattimore and Arcodia

3. Doran

## ۱-۲. نظریه محدودیت در فراغت: آزادی مشروط و قیدهای قابل مذاکره

اگر گردشگری را یک فعالیت فراغتی در نظر بگیریم، به تعبیر هریس (۱۳۹۳، ۳۶)، قلمرو تجربه آزادی، انتخاب، خودابرازی، و لذت است. درعین حال، روجک (۱۳۹۵، ۳۲) فراغت را فارغ از هر قیدی نمی‌داند. او خاطرنشان می‌کند که در رویکرد نظری کنش، مسیرهای رفتار در فراغت با عواملی چون شبکه‌های خانواده، فرم‌های اجتماعی، تفاوت‌های جنسی، تقسیم‌های نژادی، نابرابری‌های اقتصادی، و دین ارتباط دارند و این عوامل، رفتارهای فراغتی را مقید می‌کنند. جکسن و هندرسن<sup>۱</sup>، «محدودیت» را مجموعه عواملی می‌دانند که سبب ناتوانی افراد برای شرکت یا ماندن در فعالیت‌های فراغتی، دسترسی به خدمات فراغتی و تفریحی، یا دستیابی به سطح مطلوب رضایت‌مندی شوند (جکسن و هندرسن، ۱۹۹۵). کرافورد و گودبای، شایع‌ترین الگوی دسته‌بندی محدودیت را مطرح کرده‌اند (کرافورد و گودبای، ۱۹۸۷)، به نظر آن‌ها، محدودیت‌های موجود در برابر مشارکت در فعالیت فراغتی می‌تواند در سه مقوله «ساختاری، بین‌فردی، و درون‌فردی» دسته‌بندی شود:

- محدودیت‌های ساختاری، یعنی هر عاملی که بین اولویت‌های اوقات فراغت و مشارکت مداخله می‌کند؛
- محدودیت‌های درون‌فردی<sup>۲</sup>، مربوط به حالت‌های روانشناختی و نگرش‌هایی است که شرکت افراد را در فعالیت فراغتی محدود می‌کند؛
- محدودیت‌های بین‌فردی<sup>۳</sup> نیز آن‌هایی هستند که از تعاملات اجتماعی افراد با دیگران مهم (دوستان، اعضای خانواده و همکاران) ناشی می‌شوند.

## ۲-۲. نظریه فمینیستی و جغرافیای ترس زنان

ولنتاین<sup>۴</sup> (۱۹۹۲)، به‌عنوان یک جغرافی‌دان فمینیست، با خلق مفهوم جغرافیای ترس زنان، بیان می‌کند که فضاها و مکان‌ها را باید به‌عنوان ساختارهای اجتماعی و فیزیکی‌ای فهم کرد

1. Jackson and Henderson  
2. intrapersonal  
3. interpersonal  
4. Valentine





که از طریق روابط پیچیده جنسیتی، فرهنگی، قومی، نژادی، و قدرت شکل می‌گیرند و افراد و اقدامات آن‌ها را مدیریت می‌کنند (ولنتاین، ۱۹۹۲). ولنتاین بیان می‌کند که ارتباط خشونت مردان با متن محیطی، تأثیرات عمیقی بر بسیاری از استفاده‌های زنان از فضا دارد و نقشه‌های ذهنی ترس‌آلود محیط‌ها از جوانی از طریق تصورات حاصل از شنیدن تجربه‌های ترسناک و توصیه‌های دیگران، و از گزارش‌های رسانه‌ای و ایدئولوژی خانواده به زنان منتقل می‌شود و به این ترتیب، زنان، تقسیم جنسیتی فضا را می‌آموزند (ولنتاین، ۱۹۹۲، ۱۹۸۹). به نظر ولنتاین، زنان، مجموعه‌ای از راهبردهای اجتنابی را برای استفاده از فضاهای عمومی به کار می‌برند؛ برای نمونه، یاد می‌گیرند که به تنهایی به برخی مکان‌ها نروند، از غریبه‌ها، فضاهای دور از محل سکونت، و شب، ترس داشته باشند (ولنتاین، ۱۹۸۹). این فضازمان‌ها، جغرافیای ترس زنان را تشکیل می‌دهند.

### ۲-۳. نگاه خیره در گردشگری و زنان گردشگر

در دهه‌های اخیر، دیدگاه‌های فوکو درباره قدرت به گونه‌ای گسترده مورد توجه قرار گرفته است. در جامعه‌شناسی گردشگری، با الهام‌گیری از فوکو، مصداق‌های روابط قدرت، در کسب‌وکارهای به ظاهر غیرسیاسی و شوخی‌های گردشگران و راهنماها، در نگاه‌های خیره کارکنان صنعت گردشگری و محلی‌ها به گردشگران، در عملکرد ضوابط اخلاقی، در طراحی و کاربرد کتابچه‌های راهنما، و مانند این‌ها مشاهده شده است (چانگ و میلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). مهم‌ترین دلیل اینکه گردشگران، ابژه نگاه خیره واسطه‌ها و محلی‌ها می‌شوند، انگشت‌نما بودن گردشگران و از این رو، قابلیتشان برای هدف واقع شدن است. مرئی بودن، آن‌ها را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که عواملان قدرت، آن‌ها را مدیریت می‌کنند.

چردن و آیچیسن<sup>۲</sup>، با تأکید بر جنسیتی بودن نگاه خیره، در یک مطالعه تجربی دریافته‌اند که حضور بدنمند زنان تنها، به عنوان گردشگر، موجب می‌شود که نگاه خیره، از سمت مردان محلی به سمت زنان جریان یابد. زنان فرض می‌کنند که مردان محلی فکر می‌کنند آن‌ها با بودنشان در آنجا، به لحاظ جنسی، به سادگی در دسترس هستند و در واکنش



1. Cheong and Miller  
2. Jordan and Aitchison

به این نگاه‌های خیره جمعی اجتماعی و فرهنگی، زنان، پیوسته درگیر نظارت بر خود می‌شوند (جردن و آیچسن، ۲۰۰۸).

### ۳. روش پژوهش

همان‌گونه که گفته شد، پژوهش‌های پیشین در ایران، توجه زیادی به کشف تفسیرها، معانی، دریافت‌ها، و راهبردهای عملی زنان درباره ترس‌های سفرهای تک‌جنسیتی زنان ایرانی، و شیوه رویارویی آن‌ها با ترس‌ها نداشته‌اند، و نزدیک به ۸۰ درصد پژوهش‌های خارجی مربوط به موضوع این مقاله نیز به روش‌های پوزیتیویستی انجام شده‌اند (پانگ، خولاتی‌مور و آرکودیا، ۲۰۱۷)؛ از این رو، پژوهش حاضر، رویکرد کیفی و تفسیری را برای بررسی موضوع سفرهای تک‌جنسیتی در میان زنان ایرانی به کار برده است و با به‌کارگیری روش مردم‌نگاری با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت یافته، در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش است. داده‌های پژوهش نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون، تحلیل شده‌اند.

جامعه مورد بررسی این پژوهش، زنان متعلق به پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط و ساکن کلان‌شهر مشهد بودند که به‌تنهایی یا همراه با زنان دیگر، به سفر تک‌جنسیتی می‌رفتند. نمونه‌گیری در ابتدا به روش نمونه‌گیری دردسترس انجام شد و نمونه‌های بعدی تا دستیابی به اشباع داده‌ها، به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند، و سرانجام با ۱۹ نفر از آن‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. برای انتخاب اعضای نمونه، ابتدا از طریق یک واسطه-که از دوستان، آشنایان، همکاران، یا خویشاوندان پژوهشگران بودند- نمونه‌هایی انتخاب می‌شدند و پس از آن، به تدریج نمونه‌ها با در نظر گرفتن حداکثر تنوع و نوسان در مقوله‌های سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، و نوع سفرهای آنان متنوع شدند. براساس ترجیح مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌ها در منزل آنان یا محل کارشان انجام شد. تمام مصاحبه‌ها با اطلاع و رضایت مصاحبه‌شوندگان ضبط شدند و به‌منظور تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌ها کلمه‌به‌کلمه پیاده شدند و برای حفظ حریم خصوصی مصاحبه‌شوندگان، اسامی مستعار برای آن‌ها در نظر گرفته شد.



جانسن و کریستینسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) به نقل از محمدپور (۱۳۸۹، ۱۶۸) چند راهبرد را برای ارتقای اعتبار پژوهش کیفی پیشنهاد کرده‌اند. پژوهش حاضر از دو راهبرد از این مجموعه بهره برده است:

توصیف‌گرهای با استنباط پایین<sup>۲</sup>، و تشخیص خارجی<sup>۳</sup>؛

- توصیف‌گرهای با استنباط پایین: پیوسته برای ارائه یافته‌ها از آن‌ها استفاده شد.
- تشخیص خارجی: از پژوهشگران همکار خواسته شد تا گزارش پژوهش و به‌ویژه یافته‌ها را مطالعه، و نظرات خود را اعلام کنند.

در این پژوهش، روی هم‌رفته، ۱۹ مصاحبه با زنان انجام شد. وضعیت تأهل اعضای نمونه به شکل زیر بود: ۶ نفر مجرد، ۴ نفر مطلقه یا بیوه، و ۹ نفر متأهل. این افراد به لحاظ سن، در بازه سنی ۷۰-۲۰ سال (میانگین ۴۲/۷ سال) بودند. به لحاظ تحصیلات نیز، ۶ نفر تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، ۳ نفر کارشناسی، ۳ نفر کارشناسی ارشد، و ۴ نفر دکترا داشتند. به لحاظ وضعیت شغلی، ۸ نفر خانه‌دار، ۲ نفر دانشجو، و ۹ نفر شاغل بودند. به لحاظ ترکیب همراهان، یکی از مصاحبه‌شوندگان سفر تنها، ۳ نفر سفر همراه با بستگان زن، و بقیه سفر تک‌جنسیتی با دوستان را تجربه کرده بودند. به لحاظ انگیزه سفر، ۴ نفر با انگیزه زیارت، ۷ نفر با انگیزه طبیعت‌گردی، و ۸ نفر با انگیزه تفریح یا بازدید خویشاوندان به سفر تک‌جنسیتی رفته بودند.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

آن‌گونه که اسوندسن<sup>۴</sup> (۱۳۹۵) می‌گوید، ترس همواره با پیش‌نگری و آینده‌بینی در مورد درد و آسیب و مرگ احتمالی، همراه است. در این بخش، انواع ترس‌ها و راهبردهای زنان برای مقابله با ترس در سفرهای تک‌جنسیتی تشریح شده است.

1. Johnson and Christiansen

۲. «کاربرد توصیف عبارت‌بندی شده بسیار نزدیک به گزارش‌های مشارکت‌کننده‌ها و یادداشت‌های میدانی پژوهشگر، عبارت‌های کلمه‌به‌کلمه (مانند نقل قول‌های مستقیم) یک نوع بسیار رایج مورد استفاده از توصیف‌گران با استنباط پایین است.»

۳. «استفاده از متخصصان خارجی برای ارزیابی کیفیت مطالعه»

4. Svendsen



۴-۱. انواع ترس‌ها و راهبردهای زنان برای مقابله با ترس در سفرهای تک‌جنسیتی  
برپایه مضامین کدها، ترس زنان در گردشگری را می‌توان در چارچوب سه مقوله تحلیلی  
طبقه‌بندی کرد. در هریک از این مقوله‌های عمده، مضامین جزئی‌تری به‌دست آمده است.

ترس‌های شخصی	ترس‌های اجتماعی	ترس‌های ساختاری (اجتماعی، کالبدی، طبیعی)
<ul style="list-style-type: none"> <li>گم‌شدن در مقصد سفر</li> <li>ناشناختگی مکان‌ها</li> <li>ازدحام جمعیت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>کلیشه‌ها در مورد ساکنان مقصد</li> <li>آزار کلامی، فریبکاری و زمینه‌چینی کلامی و عملی آزار جنسی از سوی مردان جامعه میزبان و مسیر</li> <li>نگاه خیره مردان در طول راه و در مقصد سفر</li> <li>نمایش آزاردهنده از سوی مردان</li> <li>رבוده‌شدن و تجاوز به عنف</li> <li>نامنی‌های جانی و مالی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>ترس وابسته به زمان</li> <li>احتمال وقوع بلاهای طبیعی</li> <li>رؤیت‌پذیری نیروهای امنیتی و تجهیزات نظامی</li> </ul>

شکل ۱. مقوله‌های تحلیلی ترس‌های زنان در سفرهای تک‌جنسیتی

زنان برای مقابله با انواع ترس، راهبردهای گوناگونی را به‌کار می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را در قالب سه مقوله تحلیلی ساختاری، اجتماعی، و شخصی طبقه‌بندی کرد.

راهبردهای شخصی	راهبردهای اجتماعی	راهبردهای ساختاری
<ul style="list-style-type: none"> <li>کسب اطلاعات از خطر و ناامنی</li> <li>خودالقایی ارزشمندی تجربه سفر</li> <li>توسل به عوامل دینی و معنوی</li> <li>القای اثر بالا بودن سن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>سازماندهی اجتماعی سفر</li> <li>همگام شدن در خلال سفر</li> <li>جدایی‌گزینی در رویارویی با بعضی زنان</li> <li>راهبرد اجتنابی در رویارویی با مردان</li> <li>راهبرد تهاجمی در رویارویی با مردان مزاحم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>استفاده از فناوری ارتباطی</li> <li>استفاده از فناوری اطلاعاتی</li> <li>حرکت در ساختارهای فضایی و زمانی امن</li> <li>استفاده از خدمات نهادی صنعت گردشگری</li> <li>مطالبه تضمین امنیتی از صنعت میزبانی</li> </ul>

شکل ۲. مقوله‌های تحلیلی راهبردهای زنان در مقابل ترس‌هایشان در سفرهای تک‌جنسیتی



## ۲-۴. گونه‌شناسی ترس‌های زنان در سفر تک‌جنسیتی

با مقوله‌بندی مصداق‌های ترس‌ها می‌توان آن‌ها را در سه گونه دسته‌بندی کرد: ترس‌های شخصی، ترس‌های اجتماعی، و ترس‌های ساختاری. مبنای این دسته‌بندی، خطرهای یا جرم‌هایی است که مشارکت‌کنندگان، احتمال وقوع آن‌ها را پیش‌بینی می‌کردند و به این سبب، احساس ترس را تجربه کرده بودند.

### ۱-۲-۴. ترس‌های ساختاری

زنان در طول سفر و در مقصد سفر ترس‌هایی را تجربه کرده‌اند که ناشی از ساختارهای اجتماعی، کالبدی، یا شرایط طبیعی است و به‌طور عینی و پیشینی وجود دارد، یا احتمال وقوع دارد، و فرد آن را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کند یا احتمال آن را در حدی بالا ارزیابی می‌کند که تهدیدآمیز تلقی‌اش می‌کند. در این پژوهش، این نوع ترس‌ها، ترس ساختاری نامیده شده‌اند. از دید یکی از مشارکت‌کنندگان جوان که تجربه سفرهای پرشماری به مقاصد آسیایی موردعلاقه ایرانی‌ها را داشت، در زمان‌های خاصی، به‌ویژه ساعت‌های پایانی شب، در بعضی مقاصد، حس ترس غلبه می‌کند.

سیمین: «من خیلی سفر خارجی رفتم: امارات، ترکیه، تایلند، مالزی، سنگاپور، چین، توی همه این کشورها من به‌عنوان یک خانم احساس امنیت کردم، اما فقط یک مقدار توی ترکیه، اونم یک ساعتایی، ساعتای آخر شب، احساس ناامنی می‌کردم؛ از سمت مرداشون».

احتمال وقوع بلایای طبیعی نیز ترس‌برانگیز است، به‌ویژه در مقاصدی که مستعد رخداد فجایع طبیعی هستند و تاریخ و اخباری از وقوع این بلایا (مانند زلزله و سیل) در آن‌ها وجود دارد و به‌اندازه‌ای برجسته و مشهور هست که گردشگران از آن آگاه باشند.

محبوبه: «پریروز که رفته بودیم چشمه مرتضی‌علی، دیدیم که از بالا داره سنگ می‌ریزه. راستش رو بخواین، اونجا یه کم ترسیدم. چون یک منطقه زلزله‌خیزی هم هستش. یک آن به خودم گفتم، بیا! با این سفر امکان داره که جون خودم رو از دست بدم. یک لحظه ترسیدم. بعد یکی از دوستانم گفت، نترسین نترسین، بُزهان که دارن شیطونی می‌کنن، داره سنگا می‌ریزه پایین».



حضور آشکار نیروهای امنیتی و تجهیزات نظامی هم ترس را در زنان برمی‌انگیزد. به نظر می‌رسید، مشاهده این صحنه‌ها، احتمال بالای وقوع درگیری و خشونت، و حس ناامنی جانی را القا می‌کند.

سیمین: «کربلا و نجف خیلی ترسناکه، چون همش تو خیابوناش نیروی نظامی هست، همش حس می‌کنی الان بمب می‌ترکه».

#### ۲-۲-۴. ترس‌های اجتماعی

برخی از زنان مورد مصاحبه، از ترس‌هایی نام می‌بردند که در فرایند کنش متقابل با ساکنان مقاصد گردشگری، یا گردشگران دیگر رخ می‌دهد یا امکان وقوع دارد (کلیشه‌ها در مورد ساکنان مقصد، آزار کلامی، فریبکاری و زمینه‌چینی کلامی و عملی آزار جنسی از سوی مردان جامعه میزبان و مسیر، نگاه خیره مردان در طول راه و در مقصد سفر، نمایش آزاردهنده از سوی مردان، ربوده شدن و تجاوز به عنف، ناامنی‌های جانی و مالی).

استفاده از وسایل حمل و نقل در محیط شهرهای ناآشنایی که کلیشه‌هایی در مورد ساکنان آن در ذهن زنان وجود داشت، یکی از سرچشمه‌های ترس برای بسیاری از زنان در سفرهای داخلی و خارجی بود، زیرا بیم آن داشتند که راننده، برنامه‌ای برای تعرض در ذهن داشته باشد.

سیمین: «کرمان رو بلدم، اما شیراز و تبریز، آدم می‌ترسه سوار تاکسی بشه، می‌ترسی بردت یک جای دیگه به جای مقصدت. من واقعاً می‌ترسیدم. من تو شیراز و تبریز بیشتر ترسیدم تا دبی».

به نظر می‌رسد، این موضوع با ایده «جغرافیای ترس» ولنتاین (۱۹۸۹) تناقض داشته باشد. به نظر او، پیوندهای قوی اجتماعی و فضایی با محل سکونت، در رویارویی با بومی‌های ناآشنا و غریبه‌ها، اعتماد به نفس می‌دهد و فرد می‌داند در هنگام ترس یا تهدید، چگونه کمک بگیرد، اما نکته جالب توجه در سخنان این مشارکت‌کننده، این بود که در سفر خارجی، کمتر از سفر داخلی، ترس از استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی را تجربه کرده است. در این باره ممکن است فرضیه‌های سونمز و گراف<sup>۱</sup> محتمل باشد: غریبگی بیشتر فضای خارجی و فقدان هرگونه اطلاع یا خبری در مورد وقوع جرم در جامعه خارجی و احتمال آن،

1. Sönmez and Graefe



احساس امنیت بیشتری به گردشگر می‌دهد، زیرا اطلاعات از مقصد، ارزیابی را تغییر می‌دهد (سونمز و گراف، ۱۹۸۸)؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، به‌گونه‌ای تناقض‌آمیز، غریبگی، به بعضی از مشارکت‌کنندگان، احساس امنیت می‌داد و آشنایی، ترس تولید می‌کرد. فرض دیگر اینکه اعتبار و تصویر مثبت مقصد به‌طور کلی احساس امنیت می‌داد. مک‌نامارا و پریداکس<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نیز از یافته‌های خود در استرالیا چنین استنباطی داشتند. به‌گونه‌ای مشابه اما معکوس، تصورات قالبی<sup>۲</sup> و پیش‌داوری‌های منفی در مورد اجتماع محلی یا قومی مقصد، یکی از منابع ترس بود. این تصورات قالبی ممکن بود لزوماً به آزارگری مربوط نباشد، بلکه صفت‌هایی باشد که به‌طور ثانوی، احتمال بروز آزار را در ذهن تقویت کند.

محبوبه: «اصلاً منم دوست نداشتم تو بازار تنها باشم. مثلاً شنیده بودم که کردها مرداشون قوی‌اند. دوست داشتم با کسی باشم و تنها نباشم».

یکی از مشارکت‌کنندگان، نگاه‌های خیره و متلک‌های مردان را در مقصد، آلوده به پیش‌داوری درباره‌ی خودش می‌دانست؛ پیش‌داوری‌ای مبنی بر تمایلش به ارتباط جنسی با رهگذران، و این پیش‌داوری، برایش آزاردهنده بود. او معتقد بود، جذابیت جوانی‌اش، تحریک‌کننده‌ی این نگاه‌ها و آزارهای کلامی بوده است:

الهام: «بعد از سوریه، رفتم ترکیه. ترکیه با دخترم رفتم که چهارسالش بود. [...] اما چون خیلی جوون بودم، مشکلاتی با مردای ترکیه داشتم و مزاحم می‌شدن. مردای ترکیه و ایرانی از لحاظ اخلاقی خیلی بدَن [...] این مردا خیلی بد نگاه می‌کردند و معیارای دیگه‌ای درباره‌ی زنای ایرانی داشتن، یک چیزایی به من می‌گفتن، فکر می‌کردن من چون زن ایرانی هستم، زن خرابم...».

قضاوت‌های ناصواب در مورد پاکدامنی زنان به‌شکل دیگری نیز آن‌ها را می‌آزرد، از جمله:

لیلا: «بین خب من همش این فکر داشتم که مبادا کسی مزاحم بشه یا فکر بدی درباره‌ی من بکنن».



1. McNamara and Prideaux  
2. Stereotype

زنان، تردید یا پیش داوری منفی دیگران دربارهٔ پاکدامنی خودشان را نوعی آزار به‌شمار می‌آوردند و همواره ترسی حیثیتی از این اتهام ضمنی داشتند. گویی آن‌ها پیشاپیش متهم بودند و برای برائت از این اتهام، باید شواهدی در رفتار خود ارائه می‌کردند. گاهی نیز لازم بود، مستندات رسمی ارائه دهند، زیرا شواهد عرفی، کافی تلقی نمی‌شد؛ برای نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان دربارهٔ یک مرکز اقامتی در ایران بیان کرد:

مریم: «من خیلی زیاد برام پیش اومده نگاه بد مردم رو دیدم به خودم تو سفر. یه بار با اینکه معرفی نامهٔ دانشگاه داشتم، رفتم هتل. زنگ زدن خونه با پدرم صحبت کردن تا راضی شدن من رو راه بدن به هتل و حتی می‌خواستن منو بفرستند [اداره] اماکن».

گاهی رفتارهای مشکوک و آزاردهنده، از نگاه خیره و آزار کلامی مردان یا پیش‌داوری‌های احتمالی فراتر می‌رفت و ترس بیشتری را برمی‌انگیخت. زمانی که رفتار و گفتار مردان در مقصد، فریبکارانه به‌نظر می‌رسید، زنان احتمال وقوع مزاحمت جسمی و تعرض را بالا ارزیابی می‌کردند و این امر به‌شدت ترس‌برانگیز بود.

سیمین: «توی ترکیه می‌ترسیدم. یک‌بار یک فروشنده‌ای گفت: بیا بریم جنسو تو انبار نشونت بدم. من ترسیدم، نرفتم، فهمیدم نیتش چیه».

ترس از سرقت پول و اموال در مکان‌ها و مقاصد گوناگون (مانند ترس از سرقت در خیابان و حتی در هتل) نیز ترس رایجی بود. این نوع ترس به فضاهای کالبدی مقاصد یا مکان‌های پذیرایی آن‌ها محدود نبود و حتی می‌توانست در وسایل نقلیهٔ سفر نیز رخ دهد. این به آن معنا است که ترس در تمام طول سفر پراکنده بود. اگرچه احساس امنیت، بسته به نوع وسیلهٔ نقلیه و میزان کنترل‌شدگی و دسترس‌پذیری آن، متفاوت بود.

لیلا: «من خیلی با اتوبوس حال نمی‌کردم، می‌ترسیدم بابت آدمایی که تو اتوبوسن، می‌ترسیدم آدمای بدی باشن».

به‌نظر سیمین، زمینهٔ آزار، نه‌تنها با نگاه‌های نامتعارف، بلکه با رفتارهای غیرحرفه‌ای کارکنان صنعت گردشگری نیز فراهم می‌شود که مولد ترس است. این‌گونه رفتارها به‌عنوان نکتهٔ منفی یک مقصد یا یک خدمات‌دهنده در ذهن گردشگر ثبت می‌شود و جایگاه آن مقصد یا خدمات‌دهنده را به‌خطر می‌اندازد. چنین تجربه‌ای، اگرچه تنها در سخنان یکی از





مشارکت‌کنندگان وجود داشت، اما ضرورت آموزش و ضمانت رفتار حرفه‌ای کارکنان صنعت میزبانی را، از طریق وضع مقررات مناسب، گوشزد می‌کند:

سیمین: «توی ایران تا سر کوچه بخوای بری، برگردی دو تا متلک بهت می‌گن... مسافرت داخلی نمی‌رم، چون امنیت ندارم. [وقتی به‌عنوان] یک خانم تنها می‌ری تو خیابون اذیتت می‌کنند، چه برسه یه شهر دیگه، تو بری هتل تو یه شهر دیگه، آدمای یک‌جور دیگه‌ای نگات می‌کنن و پذیرش بهت گیر می‌ده. یا حتی شماره تلفن بهت می‌ده یا بد نگاه می‌کنن. تو ایران، نگاهای آدمای اذیتت می‌کنه».

### ۳-۲-۴. ترس‌های شخصی

«ترس‌های شخصی»، گونه‌ای از ترس ناشی از ترجیحات فردی، مطلوبیت‌ها، قابلیت‌ها، یا مهارت‌های شخصی در رویارویی با شرایط سفر است. این ترس‌ها ممکن است پیشینه‌ای در تجربه‌ها و خاطره‌های شخصی داشته باشند یا برساخته‌های اجتماعی باشند. ویژگی‌های فیزیکی فضا، مانند ناشناختگی مکان‌ها و ازدحام جمعیت، به‌تنهایی می‌توانست موجب ترس شود و افزون‌براین، می‌توانست بر ترس از گم شدن در مقصد سفر دامن بزند.

فرزانه: «اگر محیط رو نشناسم، نگرانم، وقتی محیط رو بشناسم، دیگه ترسی ندارم». ترکیب هم‌زمان دو عامل تراکم جمعیت و ناشناختگی مکان‌ها (فضای کالبدی غریبه) به احساس ناامنی و در پی آن، ترس، در زنان کم‌تجربه‌تر دامن می‌زند. برای لیلا که از شهر کوچک‌تری به تهران می‌رود، شاغل نبوده و کمتر تجربه حضور مستقل در فضاهای عمومی غریبه دارد، شهر بزرگ و ازدحام جمعیت غریبه در فضاهای عمومی ترس‌برانگیز است.

لیلا: «تهران خیلی بزرگ بود، من خیلی می‌ترسیدم... من از آدماش می‌ترسم، از دزدی آدم می‌ترسه اونجا. از شلوغی اونجا خیلی می‌ترسیدم».

ترس از گم شدن یکی از ترس‌های رایج در میان زنان — به‌ویژه در مقاصد خارجی — بود. این ترس معمولاً در مقاصد خارجی (به‌دلیل ناآشنایی با زبان جامعه مقصد) تشدید می‌شود. ویلسن و لیتل نیز چنین تجربه‌ای را در زنان مشاهده کرده‌اند (ویلسن و لیتل، ۲۰۰۵).



در مجموع، به نظر می‌رسد، ترس‌های زنان بیش از هرچیز، از یک‌سو، برآمده از ادراکی از آسیب‌پذیری بدن جنسی شده زنان، و از سوی دیگر، ناشی از تردید درباره توانمندی جسمانی، روانی، و شناختی برای غلبه بر تهدیدها و آزارگرهای احتمالی است. این‌گونه ترس‌ها به‌گونه‌ای نابرابر در زنان به چشم می‌خورد، زیرا این بدن زنان است که نه تنها در نگاه سنتی و فرهنگ پدرسالار، بلکه در فرهنگ غالب محصولات فرهنگی جهانی (سینما، نشریه‌ها، وب، و شبکه‌های اجتماعی) کم‌وبیش جنسی شده است. افزون‌براین، از آنجاکه زنان نسبت به مردان، هم فرصت کمتری برای توانمندسازی داشته‌اند (نرخ فعالیت اجتماعی و اقتصادی پایین)، و هم در فرایند جامعه‌پذیری، همواره ناتوانی و ترس به آن‌ها القا شده است، خودباوری کمتری در رویارویی با عوامل ترس‌برانگیز دارند و به‌همین سبب، ترس بیشتری را تجربه می‌کنند.

#### ۳-۴. راهبردهای زنانه برای غلبه بر ترس‌های سفر

زنان برای مقابله با ترس‌ها و محدودیت‌های حاصل از آن در سفر تنها یا جمعی بدون مردان، راهبردهای گوناگونی را درپیش می‌گیرند. این راهبردها را می‌توان در سه گروه راهبردهای ساختاری، اجتماعی، و شخصی طبقه‌بندی کرد. گفتنی است، این راهبردها لزوماً یک‌به‌یک با ترس‌های ساختاری، اجتماعی، و شخصی پیش‌گفته، همخوانی ندارند.

#### ۱-۳-۴. راهبردهای ساختاری

راهبردهای ساختاری، بیانگر دسته‌ای از راهبردها هستند که کنشگر در قالب آن‌ها از ظرفیت‌های اجتماعی نهادی یا ظرفیت‌های فیزیکی فضا، برای تأمین امنیت، کنترل تهدیدها، و مدیریت احساس ترس خود استفاده می‌کند. راهبردهای ساختاری‌ای که زنان مورد مطالعه به‌کار می‌گرفتند، معمولاً دربردارنده استفاده از فناوری ارتباطی (موبایل برای تماس)، استفاده از فناوری اطلاعاتی (نرم‌افزارها و خدمات موبایلی و برخط برای مسیریابی)، حرکت در ساختارهای فضایی و زمانی امن، استفاده از خدمات نهادی صنعت گردشگری، و مطالبه تضمین امنیت از صنعت میزبانی بود.

«گم شدن» که از رایج‌ترین ترس‌های سفرهای خارجی است، امروز به‌کمک فناوری

ارتباطات و اطلاعات، ترس کمتری برمی‌انگیزد:



محبوبه: «حالا این موبایل‌ها هستش، بترسی، شماره‌ دوستا هست. زنگ می‌زنی، می‌گی فلان جا هستم... مطمئن بودم که تو این شهر، اینا رو اصلاً گم نمی‌کنم».

زنان جوان‌تر تحصیل کرده و شاغل - که عادت بیشتری به استقلال داشتند - در کاربرد فناوری در سفر به‌روزتر، مسلط‌تر، و در نتیجه مستقل‌تر و بی‌نیازتر بودند:

سیمین: «من اصلاً تو پکن نگران گم شدن نبودم. هر جا گم می‌شدم، جی‌پی‌اس می‌زدمو مسیر و پیدا می‌کردم».

استفاده از خدمات نهادی صنعت گردشگری، از جمله سفر با تور سازماندهی شده، راهبرد دیگر ساختاری مقابله با ترس است. سفر با تور سازماندهی شده در قالب پکیج تور، به دلایل گوناگونی، کمتر در میان ایرانیان رواج دارد و معمولاً الگوی غالب سفر نیست (فروغ‌زاده و رضوی‌زاده، ۱۳۹۳)، اما برای زنانی که قصد دارند به‌تفاهلی سفر کنند (به‌ویژه سفر خارجی)، تور سازماندهی شده، گزینه‌ای است که از طریق آن، ترس خود را کنترل می‌کنند، زیرا زمان، و مکان، و خدمات در آن، از پیش برنامه‌ریزی شده و امنیت آن برپایه استانداردهای صنعت گردشگری، نسبتاً تضمین شده است.

لیلا: «بین خب. من همش این فکر و داشتم که مبادا کسی مزاحم بشه یا فکر بدی درباره من بکنن. اما خب از اون طرف، خودمو توجیه می‌کردم که بالاخره با تور می‌رم و برمی‌گردم».

وجود نظام نهادی شده‌ای که تضمین نسبی‌ای برای امنیت به گردشگران بدهد، ترس زنان را از حضور در عرصه عمومی کاهش می‌دهد:

نگار: «تو جزیره قشم، ما فقط با تاکسی‌های آرام‌داری که مشخص بود مجوز تاکسیرانی دارند و تحت نظارت هستند، جایی می‌رفتیم. حتی اگه تا حدود ساعت ۱۱-۱۰ شب بیرون بودیم، زیاد نمی‌ترسیدیم اتفاقی بیفته».

زنان، گاهی در موقعیت‌های احساس ترس، به‌گونه‌ای فعالانه و مستقیم، تضمین امنیت خود را از صنعت میزبانی مطالبه می‌کردند:

نگار: «من و خواهرزاده جوانم، دو سال پیش رفته بودیم قشم. اتاق آقای میانسال تنهایی کنار ما بود که نگاه‌ها و رفتار مشکوکی در لابی داشت. ما هم رفتیم سراغ ریسپشن هتل و



خواستیم که اتاق ما رو عوض کنه. اونم این کارو کرد و خیالمون کمی راحت شد و دیگه آقاهه رو ندیدیمش».

## ۲-۳-۴. راهبردهای اجتماعی

راهبردهای اجتماعی رویارویی با ترس، کنترل ترس از طریق تمهیدات کنش متقابل بود. یک راهبرد رایج در مقابل نگاه خیره مردان و رویارویی با مردان مزاحم یا مردانی که بالقوه مزاحم به‌شمار می‌آیند، راهبرد اجتنابی است. بسیاری از زنان در هنگام احساس خطر و احساس ترس، تنها از موقعیت مخاطره‌آمیز یا ترس‌آلود، اجتناب می‌کنند.

محبوبه: «یک زن، نگاه مرد هیز و غیرهیز رو حس می‌کنه... آدم سعی می‌کنه دوری کنه از این مردا. می‌رم تو مغازه‌اش خوب نگاه و لحن فرق می‌کنه، می‌خواد با سوءاستفاده‌ای چیزی باشه، حتی اگه بهترین جنس رو داشته باشه، نمی‌خرم».

گاهی نیز زنان با بی‌اعتنایی و تظاهر به ندیدن (نادیده گرفتن عاملان) می‌کوشند خود را از کانون توجه فرد بالقوه مزاحم، دور کنند یا پیامی مبنی بر بی‌توجهی مخابره کنند. این بی‌توجهی، نوعی گسست در تعامل ایجاد می‌کند و به معنای سلب کردن فرصت تداوم ارتباط و سلب فرصت مزاحمت از طرف مقابل است. به نظر می‌رسد، این نوعی راهبرد به ظاهر منفعلانه، اما کوشش آگاهانه و فعالانه‌ای برای محافظت از خود است.

فرزانه: «بین خانم‌ها خیلی سریع حس چشم بد رو حس می‌کنن. نگاه‌های هیز رو خیلی راحت بلافاصله من می‌فهمم. بلافاصله فاصلم رو باهاشون نشون می‌دم که یعنی از این خط قرمز من اجازه نداری که جلوتر بیای. مثلاً متلک بگه، بگه بره، خودش رو خسته می‌کنه. اصلاً چرا باید خودمو درگیر این سری مسائل بکنم. خیلی راحت از کنارش رد می‌شم».

شکل دیگر راهبرد اجتنابی، واکنش سرد و نامتناسب با کوشش مردان برای نزدیک شدن به زنان است. این واکنش‌ها مستلزم تظاهر به ناخوانایی یا به‌درستی رمزگشایی نکردن پیام مردانی بود که در پی سرنخ دادن و نزدیک شدن به زنان بودند.

فرزانه: «یک آقای بود که احساس می‌کردی یک جوروی نگاه‌اش یک حالتی داره؛ مثلاً از کوپه‌مون می‌اومدیم بیرون می‌رقصیدیم، من جلوی کوپه اون نمی‌رقصیدم، می‌رفتم اون‌ورتر شلوغی‌ها مو شروع می‌کردم. مثلاً می‌اومد با من صحبت می‌کرد، خیلی جدی باهاش صحبت می‌کردم».



راهبرد دیگر، قرار دادن خود در موقعیت‌های اجتماعی آشنا و امن است؛ به‌ویژه سفرهایی که همراه با دیدار بستگان و دوستان<sup>۱</sup> است. این الگو، شایع‌ترین الگوی رویارویی با ترس‌ها در میان زنان مورد مطالعه بود. در اغلب سفرهای تک‌جنسیتی -به‌ویژه سفرهای تنها- زنان مقصدی را انتخاب می‌کردند که میزبانان یک فرد از پیش آشنا، از قبیل بستگان یا دوستان یا بستگان دوستان بودند.

لیلا: «من عموماً سفرایی رفتم که جا [میزبان آشنا] داشتم. اما اگر خودم می‌خواستم هماهنگ کنم، و جایی برم که نمی‌شناسم اونا رو، و خودم باید جا می‌گرفتم، خب می‌ترسیدم».

تجربه محیط ناآشنا همگام با فرد آشنا می‌توانست به‌سرعت ترس از محیط غریبه را بزاید، و تجربه‌های بعدی را تسهیل، و به‌دور از ترس کند.

فرزانه: «دو تا سفر کانادا داشتم. کانادا رو تنها رفتم، ولی دعوت بودم با فامیل. اونجایی که کسی رو داشتم، رفتم با خیال راحت. اول احساس غریبی می‌کنم، یک روز که می‌رم، چرخه با دوست و فامیل می‌زنم، محیط رو می‌شناسم، روز دوم دیگه تنها می‌رم این‌ور اون‌ور».

درعین حال، کاهش ترس، همواره با انتخاب مقصدهایی با میزبان آشنا امکان‌پذیر نبود. همگامی با زنان دیگر در سفر، راهبرد رایج دیگری برای تأمین امنیت و کاستن از احساس ترس بود. به‌نظر می‌رسید همگامی و پیوستن به دیگری و حضور دیگری، از ترس در محیط غریبه و در حضور غریبه‌ها، هیبت‌زدایی می‌کند.

معصومه: «وقتی زیارت می‌خواستیم بریم، سه‌چهار تا خانوم جمع می‌شدیم و می‌رفتیم زیارت یا نماز جماعت، تنها نمی‌رفتیم. خرید هم با دوستانمون می‌رفتیم».

این همگامی، تنها در چارچوب تورهای آژانس‌های مسافرتی نبود که به‌طور طبیعی، تضمین امنیتی بیشتری داشت. تجربه‌های بعضی از مشارکت‌کنندگان، به گروه‌های همسفری مربوط می‌شد که به مدیریت دوستانه و غیررسمی یک زن انجام می‌شد. چنین زنی معمولاً قابلیت‌های مدیریتی بیش از دیگران داشت و از کاریزمای قابل توجه و مقبولیت کافی برای تصمیم‌گیری برخوردار بود.



1. VFR: Visiting Friends and Relatives

محبوبه: «یک جورایی خانم دکتر، یک حالتی مثل پشتیبان بودن، با خاطر جمعی باهاشون رفتم، چون اطلاعات می‌گیرن ما رو در جریان می‌ذارن، ... نه، اصلاً نمی‌ترسیدم. از هیچی.... و خانم دکتر که خودشون آدم خیلی باصلاحیتی هستن و اطمینان دارم در مورد خیلی از مسائل».

این گروه‌های همگام، معمولاً سفرهایی پیوسته و پیاپی داشتند و این سبک سفر را به‌عنوان گونه‌ای سفر تک‌جنسیتی جمعی و نیمه‌سازمانده‌ی شده پذیرفته بودند. زنان، احساس امنیت و ایمنی را یکی از کارکردهای این سبک سفر می‌دانستند. این یافته با یافته‌های یانک، بینی، و وین<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) — که درباره‌ی زنان میانسال انجام شده است — همسویی دارد.

یکی از زنان نیز در مقابل احساس ناامنی و ترسی که حضور مردان مزاحم یا بالقوه مزاحم برایش ایجاد می‌کرد، راهبرد کاملاً فعال و تهاجمی را درپیش می‌گرفت تا تهدیدهای احتمالی را خنثی کند:

مهسا: «... حتی پسرای دانشجو ممکن بود که بخوان مزاحمت ایجاد کنن، ولی برخورد، باعث می‌شه که حدود خودش رو بشناسه، بفهمه که طرف مقابلش ضعیف نیست، این خیلی مهمه. یعنی آدم باید این محکم بودن رو تمرین کنه. مثلاً بگی «ها چی می‌گی؟»... یعنی فکر می‌کنن به خاطر محرم‌نامحرمی اگه دست بهشون نزنن، هر کار می‌تونن بکنن؛ در صورتی که برای من اصلاً این جوریه نبوده».

بعضی از زنان بر این نظر بودند که نوع پوشششان، مانع مزاحمت مردان می‌شود. در واقع، رویارویی با مردان را از طریق پیام نمادینی که نوع پوشش منتقل می‌کرد، مدیریت می‌کردند. به نظر می‌رسید، این راهبرد را که البته با سبک زندگی و سبک دین‌داری این زنان آمیخته شده بود، می‌توان از جنس راهبردهای اجتنابی به‌شمار آورد.

ملیحه: «تو سفرام هیچ‌وقت مشکلی پیش نیومد. ما همه چادری بودیم و زن‌های [از نظر سن] کاملی بودیم».



اما بعضی دیگر از زنان، پوشش را متغیر مؤثری در کنترل رفتار تهدیدآمیز و آزاردهنده مردان نمی دانستند، بلکه رفتار را حامل پیام مؤثرتری می دانستند. معمولاً زنانی که خود، پوشش سهل گیرانه تری را انتخاب کرده بودند، طرفدار این دیدگاه بودند:

زهرا: «بهتر از پوشش نوع رفتار. یک چادری یک محجبه، من که زنم متوجه می شدم مشکل داره چه برسه به مردا. اما گام برداشتن یک زن باوقار متین که عزت نفس داره، راه رفتنش با یک زن دیگه فرق می کنه. من که متوجه می شدم یک مرد هم متوجه می شه. حتی راه رفتنش. حالا می خواد حجابش رو رعایت کرده باشه یا نکرده باشه».

تأکید بر کنترل شدید پوشش و رفتار در سفر، متناسب با هنجارهای اخلاقی گردشگران و میزبانان، با استنباط جردن و آیچینسن در بررسی زنان مسافر، همسویی دارد: نظارت درونی شده بر کنش های خود برای محافظت از خویش در مقابل هرگونه تعرض مردان (جردن و آیچینسن، ۲۰۰۸).

بعضی از مشارکت کنندگان بر این نظر بودند که همگامی با بعضی زنان ممکن است آن ها را بیشتر در معرض آزار مردان قرار دهد.

فرزانه: «اصلاً با آدمی که مرز نداشته باشه و آدم جلفی باشه، به هیچ وجه رفت و آمد نمی کنم».

تصور بر این بود که ظاهر بعضی زنان، حامل پیام دسترس پذیری یا تمایل به برقراری ارتباط صمیمانه یا جنسی با مردان غریبه در سفر است. زنان، راهبرد جدایی گزینی را در مقابل چنین زنانی پیشه می کردند تا نه تنها برداشت های دیگران از جمله مردان بالقوه مزاحم، بلکه خطر و ترسشان را کنترل کنند.

### ۳-۳-۴. راهبردهای شخصی

راهبردهای شخصی به مجموعه ای از راهبردها گفته می شود که بیشتر از جنس شناختی رفتاری هستند. این راهبردها، متکی به دستکاری عوامل عینی بیرونی یا کنش متقابل نیستند، بلکه بدون مداخله مستقیم در بیرون، تنها متکی به بازتفسیر ذهنی موقعیت هستند. زنان، در فرایند این بازتفسیر، احساس ترس خود را مدیریت می کنند.



بعضی از زنان، به‌صراحت از ترس‌های فراگیر خود، به‌ویژه ترس‌های سفر، سخن می‌گفتند. یکی از آن‌ها، خود سفر رفتن را وسیله‌ای برای رویارویی فعالانه با ترس‌های خود و غلبه بر ترس از ناتوانی می‌دانست و درواقع، خود سفر رفتن تک‌جنسیتی را به‌عنوان راهبردی برای رویارویی با ترس سفر تک‌جنسیتی در نظر گرفته بود:

لیلا: «... از اون طرفم سنم بالاتر می‌ره، بیشتر می‌تونم مراقب خودم باشم و خب این استرس کمتر می‌کرد و می‌دونستم که کم‌کم می‌تونم در مواجهه با خطرات از خودم دفاع کنم. البته من آدم ترسوئی ام، یکی از دلایلی که می‌خوام تنها سفر کنم، اینه که یه کم به ترس‌هام غلبه کنم و باهاش مواجه بشم».

یکی از راهبردهای شخصی رویارویی، ریسک‌پذیری با وجود آگاهی از خطر و ناامنی بود؛ برای نمونه، یکی از زنان با استناد به «ارزشمندی تجربه سفر»، آمادگی روانی خود را حفظ می‌کرد. به‌نظر می‌رسید که او برای مقابله با «احساس» ترس، نوعی بده‌بستان یا حساب کاملاً «عقلانی» هزینه‌فایده را در ذهن خود صورت‌بندی کرده بود؛ به‌گونه‌ای که خطرهای سفر در مقابل دستاوردهای آن، قابل چشم‌پوشی بودند. او به‌این ترتیب، ترس از سرقت اموال خود را در ذهنش کم‌رنگ می‌کرد.

مهسا: «ما وسایلامون گروونه، دوچرخه‌هامون قفل شده بود. دزد، همه‌رو که نمی‌تونه ببره؛ مثلاً ممکنه زینش رو باز کنه، ۶۰۰ تومنه، شانزمانش رو باز کنه، ۴۰۰ تومنه، [...] بخوای این چیزاشو فکر کنی، نباید هیچ کاری کنی. واقعاً باید ریسک کنی، ارزشش رو داره که یک چیزایی رو تجربه کنی».

در پژوهش‌های خارجی انجام‌شده درباره موضوع این پژوهش نیز چنین راهبردهایی مشاهده شده است؛ برای نمونه، فند و ویلسن<sup>۱</sup>، مشاهده کرده‌اند که زنان علاقه‌مند به موج‌سواری، در رویارویی با قیدهای سفر از سه راهبرد استفاده می‌کنند: حفظ نگرش مثبت به همه جنبه‌های سفر موج‌سواری، برنامه‌ریزی و آمادگی کامل، و صبور بودن در سفر (فند و ویلسن، ۲۰۱۲).





متغیر مهم تأثیرگذار دیگر بر میزان ترس زنان، «سن» بود. گویی بالا رفتن سن، به زنان حسی از قدرت و تسلط بر شرایط خطرناک و ترس برانگیز می‌داد. از دست دادن جاذبه جسمانی بر اثر بالا رفتن سن، اگرچه به طور معمول، واقعیت خوشایندی برای زنان نیست، اما در مقابل به نظر می‌رسد که به موازات افزایش سن زنان، از سنگینی و کنترل‌کنندگی «نگاه خیره مردانه» کاسته می‌شود و سن بالاتر، نوعی احساس آزادی و امنیت به آن‌ها می‌بخشد و ترسشان را از مورد آزار قرار گرفتن، کم می‌کند.

محبوبه: «چون الان سنم از ۵۰ بالا رفته، دیگه فکر می‌کنم که نگاه [افراد بهم فرق می‌کنه]... شاید جوون‌تر بودم آره، ولی الان می‌گم کی می‌خواد منو ببینه! من شکلم نشون می‌ده [خنده]، چهره‌ام نشون می‌ده که بالای ۵۰ ام. شاید سن هم مهمه».

بعضی از زنان نیز برای غلبه بر ترس خود از راهبردهای دینی-معنوی استفاده می‌کردند. آن‌ها به مفاهیمی چون توکل، متوسل می‌شدند، یا با خواندن ادعیه و قرآن، یا صدقه دادن، می‌کوشیدند خطرهای احتمالی را دفع کنند و به این ترتیب بر ترس خود غلبه کنند. بدیهی است که این امر نیازمند گرایش مذهبی و باور به عاملیت عوامل معنوی در دفع خطر بود. خواندن آیه‌هایی از قرآن و دادن صدقه در مقابل تضمین امنیت و سلامت، راهبرد شناخته‌شده‌ای در فرهنگ سفر در میان ایرانیان است که بعضی زنان مشارکت‌کننده به آن اشاره کردند.

### بحث و نتیجه‌گیری

از میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی، جنسیت به موضوع مهمی در ادبیات گردشگری تبدیل شده است (سنو و براون، ۲۰۱۸)، اما این موضوع، بازتاب چندانی در پژوهش‌های گردشگری در ایران نداشته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ترس‌های زنان در سفر و راهبردهای رویارویی آنان با این ترس‌ها و شناخت فرایندهای برساخته شدن ترس زنان در سفر انجام شد. یافته‌ها در چارچوب سه نوع ترس (ساختاری، اجتماعی، و شخصی) و سه نوع شیوه رویارویی با ترس (ساختاری، اجتماعی، و شخصی) مقوله‌بندی شدند. در این طبقه‌بندی، منظور از ترس‌ها یا راهبردهای «ساختاری»، منابع ترس یا راهبردهای مواجهه‌ای است که



به ساختار اجتماعی، کالبدی، و طبیعی مقصد گردشگری مربوط می‌شود. صفت «اجتماعی» برای ترس‌ها و راهبردها، ناظر به اموری است که در فرایند کنش متقابل رخ می‌دهد. ترس‌ها و راهبردهای «شخصی» هم به اموری مربوط می‌شود که بیشتر در محدوده انتخاب‌ها، ترجیحات، قابلیت‌ها، و ابتکارات شخصی و شناختی می‌گنجند.

از بین ترس‌های ساختاری، ترس وابسته به زمان، به‌ویژه در شب، همچنان که در پژوهش‌های دیگر نیز مشاهده شده است (ولنتاین، ۱۹۸۹)، در میان زنان ایرانی نیز به‌چشم می‌خورد، اما احتمالاً در پژوهش‌های دیگر، کمتر به عناصر محیطی القاگر ناامنی توجه شده است، زیرا زنان ایرانی، بدون اینکه قصد ماجراجویی داشته باشند، مقصد سفری (مقاصد زیارتی در عراق) را انتخاب کرده‌اند که به ناامنی شهرت دارد؛ به‌گونه‌ای که نیروها و تجهیزات امنیتی و نظامی سنگین به‌طور آشکار و غیرمعمولی در محیط‌های شهری به‌چشم می‌خورند. ترس‌های اجتماعی، بیشتر ناشی از آزارهای بالفعل یا احتمال آزار مردان جامعه میزبان بود. نگاه خیره، متلک، نمایش‌های ترس‌برانگیز، یا هرگونه کوششی برای جلب توجه و تعامل با زنان، بدون آنکه زنان تمایلی به ارتباط داشته باشند، از مصداق‌های آن بود. زنان، همواره خطر بالقوه رבוده شدن یا مورد تجاوز قرار گرفتن را در نظر داشتند. بیشتر این ترس‌ها، ناشی از احساس آسیب‌پذیری مبتنی بر ادراکی از بدن است که آن را می‌توان «بدن جنسی شده» نامید. ترس از سرقت نیز ترس عامی بود که زنان داشتند و ترس‌های شخصی نیز بیشتر به ناشناختگی و عدم آمادگی شخصی مربوط می‌شد. به‌گفته ایچ. پی‌لاوکرافت (به‌نقل از اسوندسن، ۱۳۹۵) قدیمی‌ترین و قوی‌ترین احساس انسانی، ترس است و قدیمی‌ترین و قوی‌ترین ترس، ترس از ناشناخته‌ها است؛ بنابراین، بیهوده نیست که در سفر به مقصدی که از محیط شناخته‌شده به‌دور است، چنین ترسی حضور قدرتمندی داشته باشد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این ترس در زنانی که تجربه‌های اجتماعی کمتر و مهارت‌های کمتری برای غلبه بر ناشناختگی داشتند (به‌عنوان مثال، شاغل نبودند یا با ابزارهای فناوری آشنایی کمتری داشتند)، بیش از دیگران بود و اغلب، نوعی تردید در توانمندی برای مدیریت خود در سفر را گزارش می‌کردند؛ به‌همین ترتیب، راهبردهای رویارویی این دو گروه نیز متفاوت بود. زنان تحصیل‌کرده‌تر و دارای تجربه‌های



اجتماعی بیشتر، راهبردهای فعالانه‌ای مانند استفاده از فناوری اطلاعاتی، کسب اطلاعات از خطر و ناامنی، القای ارزشمندی تجربه سفر به خود، مطالبه تضمین امنیتی از صنعت میزبانی، و راهبرد تهاجمی در رویارویی با مردان مزاحم را بیشتر درپیش می‌گرفتند؛ درحالی‌که زنانی که تجربه اجتماعی کمتری داشتند، راهبردهای انفعالی‌تری را انتخاب می‌کردند و ماهیت این راهبردها بیشتر معطوف به گریز از موقعیت‌ها، سازماندهی اجتماعی سفر، و گزینش همراه (پیوستن به همسفران یا میزبان آشنا و خویشاوند)، انتخاب موقعیت‌های تضمین‌شده (استفاده از خدمات نهادی صنعت گردشگری، حرکت در ساختارهای فضایی و زمانی امن) بود. افزون‌براین، آن‌ها برای رویارویی با ترس‌های خود از راهبردهای شناختی و بازتفسیر موقعیت استفاده می‌کردند. این امر موجب خودتوانمندسازی و اعتمادبه‌نفسشان می‌شد. برخی از آن‌ها، جسارت می‌کردند تا با «تجربه کردن»، آمادگی روانی و عملی خود را ارتقا دهند. در برخی از پژوهش‌های دیگر نیز به موضوع توانمندسازی بودن خود سفر برای زنان و تقویت اعتمادبه‌نفس آن‌ها اشاره شده است (چردن و گیسن، ۲۰۰۵؛ ویلسن و لیتل، ۲۰۰۵؛ ویلسن و هریس، ۲۰۰۶؛ چیانگ و یوگاراتنام، ۲۰۰۶؛ مک‌نامارا و پرایدکس، ۲۰۱۰؛ دوران، ۲۰۱۶). هرچند پژوهش‌های خارجی بیشتر موضوع سفرهای ماجراجویانه (دوران، ۲۰۱۶) و گونه‌های خاصی مانند موج‌سواری زنان (فند و ویلسن، ۲۰۱۲) و سفرهای تجاری، به‌ویژه سفرهای زنان تنها (هریس و ویلسن، ۲۰۰۷)، را بررسی کرده‌اند. این نکته، به‌ویژه هنگامی‌که زنان غیرشاغل ایرانی به آن اشاره کرده‌اند، جالب‌توجه است، زیرا کار سازماندهی شده و سفر، فعالیت‌هایی در مقابل هم به‌شمار می‌آیند (اوری، ۲۰۰۵)، اما در تجربه زنان ایرانی، هر دو توانمندساز هستند، زیرا فرصت تجربه‌هایی خارج از نقش سنتی زنانه، یعنی خانه‌داری برای زنان ایرانی، را فراهم می‌کنند، حتی اگر به‌اندازه سفر به‌تنهایی، یا سفر ماجراجویانه، یا سفر به مقاصد کمترشناخته‌شده، چالش‌برانگیز نباشند. زنان مورد مطالعه با راهبردهایی که برمی‌گزیدند، به‌جای محروم کردن خود از فرصت سفر تک‌جنسیتی، دست به مذاکره بر سر قیدها، موانع، و عوامل ایجادکننده ترس می‌زدند. این



کار، تنها اثری کوتاه مدت ندارد، بلکه همچنان که هریس و ویلسن (۲۰۰۷) می گویند، عزت نفس و مهارت های اجتماعی ارتقایافته، اثر بلندمدتی بر زندگی زنان می گذارد و زندگی آن ها را دگرگون می کند.

مورد قضاوت ناصواب قرار گرفتن، یکی از منابع ترس و اضطراب زنان بود. این موضوع اگرچه جان یا مال آن ها را به طور مستقیم تهدید نمی کند، اما به حیثیت و جایگاه اجتماعی زنان مربوط می شود. نگرانی از داغ اجتماعی<sup>۱</sup> پاکدامن نبودن در میان زنان غیرایرانی نیز مشاهده شده است (خان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). راهبرد رویارویی نمونه مورد مطالعه با مسئله داغ اجتماعی یا کلیشه های جنسیتی، مرزبندی و سواس آمیز و گریز از موقعیت ها یا همراهی با افراد (جدایی گزینی) بود. احتمالاً به دلیل هنجارهای مذهبی و سنتی موجود که بیش از فرهنگ غربی، روابط زنان و مردان غیرخویشاوند را مقید می کند، زنان ایرانی مورد مطالعه نیز خود را در معرض داغ می بینند. بخش زیادی از مقاله های خارجی منتشر شده درباره سفر تک جنسیتی زنان، به سفر زنان تنها و سفرهای ماجراجویانه و تفریحی مربوط می شود، اما زنان ایرانی مورد مطالعه، کمتر سفر تنها را برگزیده بودند و بیشتر سفرهایی با همراهی افراد آشنا یا بسته تور یا سفر به مقاصدی که میزبانی آشنا در آنجا منتظرشان بود را انتخاب می کردند. این راهبردها، احساس امنیت آن ها را تقویت می کرد، و شاید برای زنان ایرانی که تجربه های اجتماعی کمتری دارند و با برساخت اجتماعی ترس به گونه ای پررنگ تر روبه رو هستند، راهبرد مؤثرتری به نظر برسد؛ هرچند این راهبرد، مقاصد و فرصت های سفر تک جنسیتی را برای زنان محدود می کند. محدود بودن امکان و انتخاب سفر از طریق خدمات نهادی صنعت گردشگری، به دلایل اقتصادی، ساختار فرهنگی، و شرایط صنعت گردشگری در ایران، تقویت کننده این محدودیت است.

برخی از پژوهش های غیرایرانی، به شدت بر ماهیت جنسی شده و جنسیتی شده و بدنمند مقاصد گردشگری تأکید داشتند و آن را عامل مهمی در برانگیختن ترس زنان در سفر می دانستند، اما زنان ایرانی آن را دقیقاً به این شکل تجربه نمی کردند. همچنین، با اینکه

1. Social Stigma  
2. Khan



پژوهش‌های خارجی بر عامل تبلیغات گردشگری بر ماهیت جنسی و جنسیتی شده گردشگری تأکید داشتند (از جمله پریچارد و مورگان، ۲۰۰۰؛ جردن و آیچیسن، ۲۰۰۸)، اما این مسئله درباره ایران صادق نیست. تبلیغات گردشگری در ایران، به دلایل قانونی و عرفی مبتنی بر استفاده از جاذبه‌های جنسی زنانه برای جذب گردشگر نیست و به همین سبب به نظر می‌رسید که آگاهی و ادراک توسعه‌یافته‌ای از سرشت جنسی شده و بدنمند گردشگری در زنان ایرانی مورد مطالعه وجود ندارد. با این حال، در مورد زنان ایرانی، فضای جنسیتی و جنسی شده نه به عنوان تجربه‌ای ویژه و یکتا که به طور خاص در گردشگری رخ می‌دهد و نقش گردشگر مؤنث موجب آن می‌شود، بلکه به عنوان بخشی از تجربه روزمره زنان مطرح می‌شود که گردشگری هم از آن مستثنا نیست.

مصاحبه‌شوندگان به هیچ موردی از تمایل شخصی به سفر تنها یا جمعی زنانه با انگیزه سفر رماتیک و روابط جنسی اشاره نکرده‌اند. این امر ممکن است چند علت داشته باشد: (۱) شیوع ناچیز چنین انگیزه‌هایی در جامعه مورد مطالعه؛ (۲) روش گزینش اعضای نمونه (به گونه‌ای که پژوهشگر با چنین مشارکت‌کنندگانی روبه‌رو نشده است)؛ (۳) چنین انگیزه‌هایی از سفر برای زنان در جامعه مورد مطالعه به شدت تابو است و به همین سبب، مصاحبه‌شوندگان از اقرار خودداری کرده‌اند و این تجربه‌ها را روایت نکرده‌اند.

بررسی فرایند برساخته شدن ترس، نشان داد که چگونه مجموعه‌ای از خاطرات و تجربه‌های شخصی، موقعیت‌های ترس‌آور و راهبردهای زنان را شکل می‌دهد، به طور غیرمستقیم کنترل می‌کند، و فرایند نظارت بر خویشتن را تکوین می‌بخشد. این یافته‌ها تأییدگر دیدگاه ولنتاین (۱۹۸۹) و جردن و آیچیسن (۲۰۰۸) است که بر این نظرند که ساختار پدرسالارانه کنترل اجتماعی، تجربه، تحرک، و آزادی‌های زنان گردشگر را تاحدی هدایت می‌کند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه زنان به سبب شرایط ذهنی خود و شرایط عینی محیط‌های گردشگری، ترس‌هایی را تجربه می‌کنند، اما اینک همگام با دگرگونی‌های اجتماعی دیگر و حضور بیشتر آنان در جامعه ایرانی، به طور کامل تسلیم این نظارت نمی‌شوند و آن را به چالش می‌کشند؛ در برابر آن، انواع مقاومت فعالانه یا انفعالی را



درپیش می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند این ترس‌ها به‌طور کامل بر آن‌ها چیره شود و فرصت‌های سفر تک‌جنسیتی را از آن‌ها سلب کند. زنان مورد مطالعه ایرانی، گام‌به‌گام و با احتیاط، این‌گونه سفرها را برای خروج از شرایط روزمره، محک زدن و به‌چالش کشیدن خود، تقویت توانمندی‌های روانی و عملی در رویارویی با ترس‌ها و محدودیت‌ها و کم‌مهارتی‌ها، و احساس خودمختاری و خودتعیین‌گری به‌کار می‌گیرند. اگرچه این تجربه‌ها به‌لحاظ کیفیت و عمق با تجربه‌های زنان کشورهای توسعه‌یافته متفاوت است، اما مسیری مشابه محافظه‌کاری را می‌پیماید.



- اسوندسن، لارس (۱۳۹۵). فلسفه ترس (مترجم: خشایار دیهیمی). تهران: نشر گمان.
- پورا احمد، احمد؛ آروین، محمود؛ و رحیم پور، نگار (۱۳۹۶). ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری؛ مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز. مطالعات شهری، ۶(۲۳)، ۵۳-۶۸.
- رضوی زاده، ندا؛ و برادران کاشانی، زهرا (۱۳۹۷). ادراک زنان از گردشگری تک جنسیتی، کارکردها، چالش‌ها و راهبردهای مواجهه در خانواده. زن در توسعه و سیاست، ۲(۱۶)، ۲۹۵-۳۱۸. doi: 10.22059/JWDP.2018.248060.1007331
- روچک، کریس (۱۳۹۵). نظریه فراغت، اصول و تجربه‌ها (مترجم: عباس مخبر). تهران: نشر تیسرا.
- سراج زاده، سیدحسین؛ جواهری، فاطمه؛ و رحمتی، الهام (۱۳۹۴). پوشش زنان و احساس امنیت در فضاهای عمومی. مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۱۵-۱۳۵. doi: 20.1001.1.20083653.1394.9.2.6.1
- سفیری، خدیجه؛ و مدیری، فاطمه (۱۳۸۹). تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۱، ۱۶۹-۱۴۷.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ و میرحسینی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، ۱۷(۳۶)، ۱۵۲-۱۲۵.
- عشایری، طاها؛ عباسی، الهام؛ نطقی، علیرضا؛ آخوندزاده‌آرانی، محدثه؛ و نوری، رمضانعلی (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر ترس زنان از جرم در فضای شهری. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۷۴، ۱۴۹-۱۲۵.
- فروغ زاده، سیمین؛ و رضوی زاده، ندا (۱۳۹۳). گونه‌شناسی گردشگران شهری: کاربرد مدل نهادی کوهن (مطالعه موردی: شهر مشهد). برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۳(۹)، ۱۹۱-۱۷۰.
- محمودپور، احمد (۱۳۸۹). ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی (جلد ۱). تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، جمال؛ و مرادی پادوک، مریم (۱۳۹۲). بررسی احساس امنیت زنان در مناطق مختلف شهری نمونه موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان. مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۳(۹)، ۱۷۲-۱۵۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷). چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار پاییز ۹۷. برگرفته از [https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1397/2\\_niroeyekar3-97.pdf](https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1397/2_niroeyekar3-97.pdf)
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). چکیده نتایج طرح آمارگیری گذران وقت نقاط شهری تابستان ۱۳۹۴. برگرفته از [https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1394/ch\\_ytagvdnsh\\_94-2.pdf](https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1394/ch_ytagvdnsh_94-2.pdf)
- هریس، دیوید (۱۳۹۳). مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت (مترجم: محمدسعید ذکائی و سنا چاوشیان). تهران: نشر تیسرا.





- Brown, L., & Osman, H. (2017). The female tourist experience in Egypt as an Islamic destination. *Annals of Tourism Research*, 63, 12-22. doi: 10.1016/j.annals.2016.12.005
- Chang, S.Y. (2009). Australians' holiday decisions in China: A study combining novelty-seeking and risk-perception behaviors. *Journal of China Tourism Research*, 5(4), 364-387. doi: 10.1080/19388160903382533
- Cheong, S. M., & Miller, M. L. (2000). Power and tourism: A Foucauldian observation. *Annals of Tourism Research*, 27(2), 371-390. doi: 10.1016/S0160-7383(99)00065-1
- Cheong, S.M., & Miller, M.L. (2000). Power and Tourism, A Foucauldian Observation. *Annals of Tourism Research*, 2(27), 371-390.
- Chiang, C. Y., & Jogaratnam, G. (2006). Why do women travel solo for purposes of leisure?. *Journal of Vacation Marketing*, 12(1), 59-70. doi: 10.1016/S0160-7383(99)00065-1
- Crawford, D.W., & Godbey, G. (1987). Reconceptualizing barriers to family leisure. *Leisure Sciences*, 9, 119-27. doi: 10.1080/01490408709512151
- Doran, A. (2016). Empowerment and women in adventure tourism: a negotiated journey. *Journal of Sport & Tourism*, 20 (1), 57-80. doi: 10.1080/14775085.2016.1176594
- Fendt, L. S., & Wilson, E. (2012). I just push through the barriers because I live for surfing': how women negotiate their constraints to surf tourism. *Annals of Leisure Research*, 15(1), 4-18. doi: 10.1080/11745398.2012.670960
- Harris, C., & Wilson, E. R. I. C. A. (2007). Travelling beyond the boundaries of constraint: Women, travel and empowerment. *Tourism and Gender: Embodiment, Sensuality and Experience*, 235-250. doi: 10.1079/9781845932718.0235
- Jackson, E.L., & Henderson, K. (1995). Gender-based analysis of leisure constraints. *Leisure Sciences*, 17(1), 31-51. doi: 10.1080/01490409509513241
- Jordan, F., & Aitchison, C. (2008). Tourism and the sexualisation of the gaze: Solo female tourists' experiences of gendered power, surveillance and embodiment. *Leisure Studies*, 27(3), 329-349. doi: 10.1080/02614360802125080
- Jordan, F., & Gibson, H. (2005). We're not stupid... But we'll not stay home either: Experiences of solo women travelers. *Tourism Review International*, 9(2), 195-211. doi: 10.3727/154427205774791663
- Junek, O., Binney, W., & Winn, S. (2006). All-female travel: What do women really want?. *Turizam: Međunarodni Znanstveno-Stručni Časopis*, 54(1), 53-62.
- Khan, S. (2011). Gendered leisure: are women more constrained in travel for leisure?. *Tourismos*, 6(1), pp. 105-121.
- Kozak, M., Crotts, J. C., & Law, R. (2007). The impact of the perception of risk on international travelers. *International Journal of Tourism Research*, 9(4), 233-242. doi: 10.1002/jtr.607



- McNamara, K. E., & Prideaux, B. (2010). A typology of solo independent women travelers. *International Journal of Tourism Research*, 12(3), 253-264. doi: 10.1002/jtr.751
- Pritchard, A., & Morgan, N. J. (2000). Constructing tourism landscapes-gender, sexuality and space. *Tourism Geographies*, 2(2), 115-139. doi: 10.1080/14616680050027851
- Seow, D., & Brown, L. (2018). The solo female Asian tourist. *Current Issues in Tourism*, 21(10), 1187-1206. doi: 10.1080/13683500.2017.1423283
- Sönmez, S. F., & Graefe, A. R. (1998). Determining future travel behavior from past travel experience and perceptions of risk and safety. *Journal of Travel Research*, 37(2), 171-177. doi: 10.1177/004728759803700209
- Urry, J. (2005). *The Tourist Gaze. Second Edition*, London: SAGE Publication.
- Valaja, E. (2018). *Solo Female Travellers' Risk Perceptions and Risk Reduction Strategies – As Expressed in Online Travel Blog Narratives* (Unpublished master dissertation). Lund University.
- Valentine, G. (1989). The geography of women's fear. *Area*, 21(4), 385-390.
- Valentine, G. (1992). Images of danger: Women's sources of information about the spatial distribution of male violence. *Area*. 24, 22-29.
- Wilson, E. (2005). A relative escape? The impact of constraints on woman who travel solo. *Tourism Review International*, (9), 155-175. doi: 10.3727/154427205774791672
- Wilson, E., & Harris, C. (2006). Meaningful travel: Women, independent travel and the search for self and meaning, *Tourism*, 2 (54), 161-172. Retrieved from <https://hrcak.srce.hr/161466>
- Wilson, E., & Little, D. E. (2005). A "relative escape"? The impact of constraints on women who travel solo. *Tourism Review International*, 9(2), 155-175. doi: 10.3727/154427205774791672
- Wilson, E., & Little, D. E. (2008). The solo female travel experience: Exploring the 'geography of women's fear'. *Current Issues in Tourism*, 11(2), 167-186. doi: 10.2167/cit342.0
- Yang, E. C. L., & Khoo-Lattimore, C., & Arcodia, C. (2017). A systematic literature review of risk and gender research in tourism. *Tourism Management*, (58), 89-100. doi: 10.1016/j.tourman.2016.10.011

